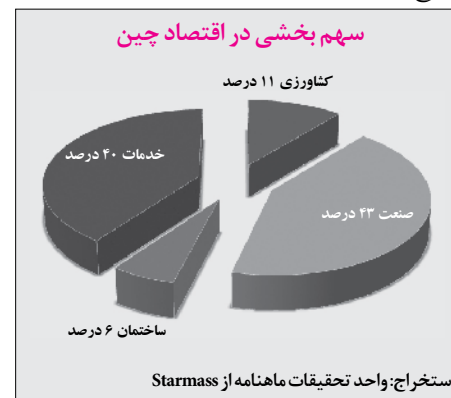


سهم خالص صادرات از رشد، ۰/۸ درصد بوده است. در دسامبر ۲۰۱۰، قیمت‌های مصرف‌کننده نسبت به سال پیش از آن ۴/۶ درصد افزایش یافته‌اند که البته این رقم نسبت به ۲۸ ماه پیش از آن که در آن، این شاخص ۵/۱ درصد بود کمتر شده است، اما همچنان از رقم ۴/۴ درصدی که پیش‌بینی می‌شد بیشتر است. این موضوع حکایت از خطر افزایش قیمت‌ها در این کشور دارد. اقتصاد چین یک اقتصاد صادراتی است و افزایش قیمت‌ها می‌تواند مسیر تراز بازرگانی آن را معکوس کند. در خلال سال‌های اخیر، موضوع نرخ ارز یکی از مهمترین موضوعات چالش برانگیز اقتصاد چین در مقابل اقتصادهای بزرگ جهانی بوده است. دولت چین با دستکاری نرخ ارز و پایین نگه داشتن ارزش یوان، توانسته وضعیت صادرات را بهبود بخشد، اما این وضع، صدای سایر کشورهای صنعتی را درآورده و آنها را به تهدیدات ناشی از این اقدام، بیش از گذشته واقف نموده است. به هر حال، کاهش نرخ تورم نسبت به ۲ سال پیش، به عقیده کارشناسان موقتی است، کما این که این نرخ در حال حاضر از پیش‌بینی‌ها بیشتر است.

آمارها نشان می‌دهند نرخ تورم مواد غذایی در ماه دسامبر نسبت به نوامبر سال ۲۰۱۰ حدود ۲/۱ واحد درصد کاهش یافته و به ۹/۶ درصد رسیده و همین عامل منجر به کاهش نرخ کل تورم در ماه مذکور شده است. آغاز سال نو و شرایط آب و هوایی زمستان می‌تواند این نرخ را در ۳ ماهه پیش رو افزایش دهند. به گفته یک اقتصاددان چینی در بانک OCBC سنگاپور، اگر چه شدت رشد اقتصادی در چین بسیار بالا است، اما تورم، نقطه اصلی تمرکز بازار است و می‌تواند چالش ۲۰۱۱ بازارهای این کشور، بر سر جدال‌های قیمتی باشد. این موضوع بالطبع جدال‌های ارزی را نیز به دنبال خواهد داشت. این نگرانی اکثر اقتصاددانان و نظریه پردازان است که موتور توسعه اقتصاد جهانی در کنار خطر افزایش تورم، با افزایش بله‌ی‌های دولتی و حباب دارایی‌ها مواجه خواهد شد.

مراکز کارشناسی دنیا پیش‌بینی خوبی از وضعیت امسال اقتصاد چین در مقایسه با سال ۲۰۱۰ ندارند. علاوه بر تورم، پیش‌بینی‌ها از کاهش رشد اقتصادی تا ۹/۳ درصد حکایت دارند که اگر این نرخ محقق گردد، یک واحد درصد از نرخ ۲۰۱۰ کمتر است.



این همه ماجرا نیست، چرا که در حال حاضر قدرت‌های بزرگ اقتصادی دنیا "یک لنگه پا" منتظر اصلاح نرخ ارز و ایجاد شرایط یکسان رقابتی توسط دولت چین هستند. این اقدام می‌تواند شرکت‌های تولیدی را که از حاشیه سود پایینی برخوردارند به ورطه ورشکستگی براند. این یعنی افزایش بیکاری و اُفت شدید رشد اقتصادی. در سال ۲۰۱۰ افزایش قیمت مسکن نیز در این کشور، رفاه بخش قابل توجهی از مردم را تهدید کرد و این احتمال وجود دارد که قیمت مسکن در سال جاری همچنان افزایش یابد.

بازرگانی چین

تجارت روین تن

اقتصاد چین بر پایه مزیت‌های تجاری استوار است و این موضوع روندهای جالبی را تجربه کرده است.

در کل، تولیدات صنعتی در حدود ۹۰ درصد مبادلات تجاری چین را با کشورهای آسیای شرقی تشکیل می‌دهند. تولیدات مشترک کشورهای آسیای شرقی باعث افزایش میزان مبادلات تجاری قطعات کاربردی در تولید شده و در این راستا، چین که در گذشته (۹۵-۱۹۹۴) سهمی ۱۸ درصدی را در تجارت قطعه داشت، این سهم



سرعت بالای رشد صادرات یکی از مشخصه‌های بارز کشورهای آسیایی - به خصوص جنوب و جنوب شرق این قاره - است. آمار می‌گوید سهم صادرات کشورهای غیرنفتی از صادرات جهانی، از رقم ۱۱ درصد در سال‌های ۷۰-۱۹۶۹ به حدود ۳۳ درصد در چند سال گذشته رسیده است. در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰،

را در سال‌های اخیر به ۴۵ درصد رسانده است. بیشتر این قطعات در زمینه تولیدات ماشینی بزرگ صادر شده‌اند و موارد مصرفی چون تولید وسایل حمل و نقل بزرگ را ساپورت می‌کنند. نکته جالب در این بین آن است که علیرغم افزایش میزان جذب منابع مورد نیاز برای ارتقای تولید چین از طریق کشورهای شرق آسیا از رقم ۲۱/۳ درصد در سال ۱۹۹۲ به ۲۸/۸ درصد در سال ۲۰۰۷، سهم کشورهای شرق آسیا از تولیدات چینی از ۵۵/۸ درصد به ۳۳/۷ درصد کاهش یافته است. به عبارتی، ابرقدرت اقتصادی دنیا، بخشی از منابع منطقه‌ای را جذب و کالاهای تولیدی را به سایر نقاط جهان صادر می‌کند.

آمار حکایت از آن دارد که با گذشت زمان، میزان صادرات و واردات کالاهای اصلی در این کشور کاهش یافته است. در عوض، هم صادرات و هم واردات کالاهای صنعتی چین افزایش یافته و این اتفاق در مورد تجهیزات حمل و نقل تکرار شده است. صادرات و واردات پوشاک این کشور هم به نسبت گذشته کاهش یافته است. این

ژاپن بیش از ۶۰ درصد سهم صادرات منطقه خود را در اختیار داشت، اما در فاصله ۱۰ سال اخیر ورق برگشت و کشورهای دیگری مانند چین، سنگاپور، مالزی، تایوان و کره توانسته‌اند رقم قابل توجهی از تجارت منطقه را در اختیار بگیرند و به این ترتیب، سهم ژاپن به صورتی باورکردنی از اقتصاد منطقه و جهان کاهش یافته است. مهمترین موضوع در این اتفاق، رشد تجارت چین است. این موضوع باعث تغییر ساختار تجارت در این قسمت از آسیا و حرکت به سمت افزایش تولیدات صنعتی و کالاهای اساسی شده است. در گذشته، ۷۸ درصد از تولیدات این منطقه به کالاهای صنعتی اختصاص داشت، اما در حال حاضر این رقم به حدود ۹۳ درصد رسیده که در این بین، تولیدات تکنولوژی ارتباطات و کالاهای الکتریکی بسیار خوش درخشیده‌اند. در حال حاضر، چین به تنهایی توانسته در حدود ۲۵ درصد تجهیزات مخابراتی جهان را تولید و صادر کند. در محصولات الکتریکی هم این کشور توانسته سهم ۳ درصدی خود را به ۲۱ درصد ارتقا دهد.

ایران-چین-آمریکا

کیش و مات

چین در دوراهی ایران و آمریکا، چاره‌ای جز این ندارد که "کج دار و مریز" رفتار کند.



چین را در اکثر اوقات باید به عنوان بزرگترین شریک تجاری کشورمان قلمداد کرد. بیشترین میزان نفت ایران توسط این کشور خریداری می‌شود و بخش قابل توجهی از سرمایه‌های خارجی ما توسط آن تأمین می‌گردند. ظرفیت بالای صادراتی نفت و منابع فراوان گازی ایران، کشور ما را به عنوان مرکز توجه چین قرار داده است. این موضوع باعث شده تا یکی از کشورهای مهم عضو شورای امنیت سازمان ملل، بیشتر اوقات در همراهی سایر اعضا تردید داشته باشد - هر چند در ۱۰۰ درصد تحریم‌ها رأی موافق داده و از آنها حمایت کرده است.

کاهش نگرانی‌های تأمین انرژی مورد نیاز تولید در چین محوری‌ترین سیاست این دولت در سال‌های اخیر است. البته ایران برای چینی‌ها در حکم بازی دو سر بُرد است. در تجارت، در حال حاضر رقم بسیار بالایی از واردات کشورمان از این کشور صورت می‌گیرد (میزان واردات ایران در سال ۲۰۱۰ از چین ۴ میلیارد دلار بوده که این رقم ۸/۵ درصد کل واردات ایران را به خود اختصاص داده است).

به طور کلی کارشناسان در عین حال که به نیاز دو کشور ایران و چین اذعان دارند، بر نوعی عدم تقارن بین دو کشور توافق دارند. به عقیده تحلیل‌گران روابط بین‌الملل، ایران بیش از چین به تداوم این رابطه نیازمند است. به اعتقاد آنان، بحث افزایش میزان تجارت متقابل ایران و چین تا مرز یکصد میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری‌های مشترک تا مرز ۲۰۰ میلیارد دلار تا ۵ سال آینده که اخیراً توسط رییس جمهور مطرح شده است، نشانه این موضوع است، اما این تحلیل‌گران به این موضوع توجه چندانی ندارند که توسعه روابط خارجی با قدرت‌های بزرگ دنیا از جمله سیاست‌های مهم جمهوری اسلامی ایران است و قطع روابط یا کاهش

تجارت خارجی چین پس از بحران جهانی

آمار نشان می‌دهد که میزان رشد صادرات چین در ۳ ماهه اول ۲۰۰۸ نسبت به همین مدت در سال پیش از آن رقمی در حدود ۲۱ درصد بوده است. این رقم تا اول پاییز همان سال روندی صعودی داشت و به ترتیب در ۳ ماهه دوم و سوم به ۲۲/۴ و ۲۳ درصد افزایش یافت، اما با شدت گرفتن بحران، رشد صادرات به ۴/۶ درصد اُفت کرد. همین ارقام نشان می‌دهند که میزان سقوط صادرات چین در مقایسه با میانگین رشد کشورهای توسعه یافته آسیای شرقی بسیار شدیدتر بوده است. این سقوط با آغاز سال ۲۰۰۹ به مراتب شدت یافته و به منفی ۲۰/۳ درصد در ۳ ماهه سوم ۲۰۰۹ رسید. جالب آن که در مقایسه با صادرات، واردات این کشور زودتر روند نزولی خود را آغاز کرد و از ابتدای فصل تابستان، نرخ رشد واردات این کشور قدرتمند از ۳۲/۹ درصد به ۲۵/۹ و در ۳ ماهه پایانی سال ۲۰۰۸، این میزان به منفی ۸ درصد تقلیل یافت. مجموع این وقایع باعث شد دولت چین و بانک مرکزی این کشور، اعتبارات صادراتی خود را افزایش دهند و برای جلوگیری از کاهش رشد اقتصادی خود به ترمیم امر تجارت بپردازند.

دولت چین همچنین با تکیه بر رقم بالای ذخایر ارزی خود که گفته می‌شود بیش از هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار است، توانست در شرایط بحران

به خرید مواد اولیه از کشورهای آفریقایی و آسیایی بپردازد و به این ترتیب در مدتی که دنیا درگیر بحران اعتباری بود به جمع و جور کردن اقتصاد پرداخت. طولی نکشید که رونق تجاری چین در مقایسه با کشورهای به خواب رفته اروپایی و آمریکا شروع شد. در ماه مارس ۲۰۱۰ نرخ رشد سالانه صادرات چین به رقم ۲۴ درصد رسید و واردات نیز به یکباره ۶۶ درصد رشد کرد.

سال گذشته پس از تحمل یک دوره نسبتاً سخت برای اقتصاد

چین، این کشور از بحران کناره گرفت و به این ترتیب، نشانه‌های خوبی همچون افزایش میزان تولیدات صنعتی با رشد ۲۰/۷ درصدی، افزایش ۲۶ درصدی سرمایه‌گذاری‌ها و رشد ۲۱ درصدی خرده فروشی رخ نشان دادند. ■

آمار حکایت از آن دارد که همت چین در صنعت و تولیدات بزرگ صنعتی آن تبلور یافته است. مثلاً این کشور میزان صادرات قطعات حمل و نقل را کاهش داده و در عوض سعی کرده میزان واردات آن را افزایش دهد که این موضوع را می‌توان به معنای نیاز خطوط رو به رشد تولید تجهیزات حمل و نقل این کشور به قطعات تعبیر کرد. اما همزمان، صادرات و واردات قطعات اتومبیل و ماشین آلات صنعتی را افزایش داده است.

طرف‌های تجاری چین و تغییرات آنها

طرف‌های تجاری چین را باید در دو بُعد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مطالعه کرد. در بُعد منطقه‌ای، صادرات چین به کشورهای شرق آسیا در کل از رقم ۴۷/۲ درصد در سال ۱۹۹۳ به ۴۳/۹ درصد کاهش یافته و برعکس، این رقم در مورد واردات از ۵۸/۲ درصد به ۶۴/۴ درصد رسیده است. در کل، تجارت دو جانبه کشورهای این منطقه با افزایش مواجه بوده و توانسته در این مدت از رقم ۵۳/۲ درصد به ۵۵/۱ درصد برسد. به علاوه، تجارت چین با همه مناطق دنیا جز کشورهای عضو نفتا و اروپا افزایش یافته است؛ هر چند صادرات و واردات هر منطقه با منطقه دیگر و هر نوع کالا و تولید با کالا و تولید دیگر متفاوت است.

ترکیب تجاری چین

ترکیب کالایی	رشد صادرات		رشد واردات	
	(۱۹۹۴-۹۵)	(۲۰۰۶-۷)	(۱۹۹۴-۹۵)	(۲۰۰۶-۷)
تولیدات اساسی	۱۶/۲	۱۰/۴	۲۳/۵	۱۳/۵
صنعتی	۸۳/۴	۸۹/۲	۷۶/۱	۸۶/۳
قطعات ماشین آلات	۲۰/۸	۴۶/۶	۲۶/۴	۴۹/۷
کالاهای الکترونیکی	۱۶/۷	۴۰/۶	۱۵/۰	۲۳/۰
صنایع مختلف	۴۳/۳	۲۵/۵	۷/۷	۱۲/۵
پوشاک	۱۸/۵	۱۰/۳	۱/۳	۰/۴
قطعات حمل و نقل	۳/۷	۲/۳	۰/۷	۱/۸

استخراج: «اقتصاد ایران» از سازمان تجارت جهانی

رشد تجارت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چین

گروه کالایی	سال	شرق آسیا	توسعه یافته آسیایی	آسه‌آن+۳	آسه‌آن	نفتا	اروپا
خالص تجارت	۱۹۹۲-۹۳	۵۳/۲	۳۶/۵	۲۷/۰	۱۷/۸	۳۹/۹	۶۲/۶
	۲۰۰۶-۷	۵۵/۱	۴۰/۰	۳۰/۴	۲۰/۱	۳۸/۴	۵۷/۴
تجارت قطعه	۱۹۹۲-۹۳	۵۷/۰	۳۸/۷	۳۵/۴	۲۴/۲	۴۱/۴	۶۰/۱
	۲۰۰۶-۷	۶۲/۹	۵۲/۱	۴۰/۲	۲۳/۱	۴۳/۲	۵۵/۵
کالای نهایی	۱۹۹۲-۹۳	۵۰/۳	۳۵/۷	۲۵/۴	۱۴/۳	۳۹/۴	۶۳/۲
	۲۰۰۶-۷	۴۶/۴	۳۴/۰	۲۹/۱	۱۸/۰	۳۷/۳	۵۷/۷

یادداشت: ستون ۵ شامل آسه‌آن + ژاپن، کره و چین است و نفتا به کشورهای عضو موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی گفته می‌شود.

استخراج: «اقتصاد ایران» از آمارهای سازمان ملل و سازمان تجارت جهانی